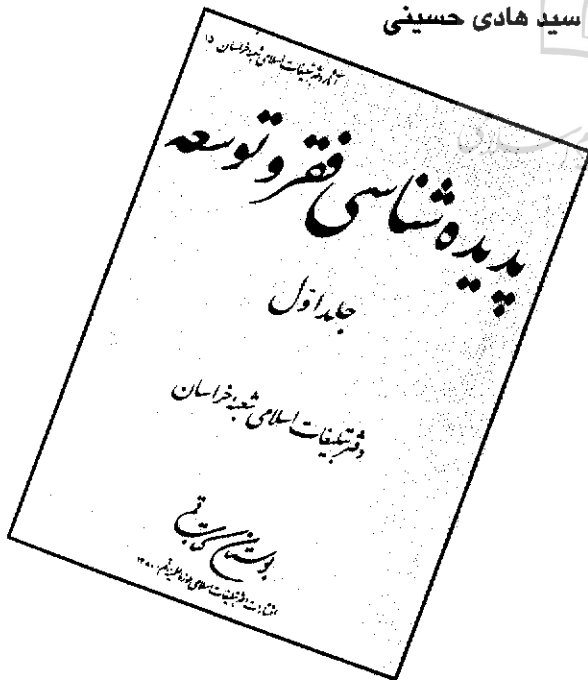


پدیده شناسی

فقر و

توسعه

سید هادی حسینی



پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، نظارت و اشراف: محمد حکیمی، ناشر: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰، ۴ ج، ۴۷۹+۴۳۱+۴۵۶+۴۶۴ ویرسی.

خوشبختانه کتاب «پدیده شناسی فقر و توسعه» از چاپ بیرون آمد و در کتاب فروشی های دفتر تبلیغات اسلامی به علاقه مندان عرضه شد. پیشینه این کتاب ارزشمند و تحقیق در این باره، به حدود سال های ۱۳۶۷ به بعد برمی گردد. در آن سال ها دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، تصمیم گرفت گروهی از حوزویان را که دارای کارنامه تحصیلی سال چهارم دبیرستان (دیپلم) بودند، برای انجام مطالعات اقتصاد اسلامی گرد هم آورد. برای این منظور کلاس های فشرده ای در طول سه سال به طور منظم و مرتب برگزار شد و دانش جویان در این کلاس ها دروس ریاضیات، آمار، اقتصاد خرد و کلان، توسعه و تکنولوژی، فقه (مسائل ویژه اقتصادی) اقتصاد اسلامی و... را فرا گرفتند و معادل ۶۸ واحد دوره آموزش دروس تخصصی اقتصاد را گذراندند.

از جمله آموزش های این دوره، کتاب «اقتصادنا» از اوایل جلد اول تا پایان جلد دوم و همچنین کتاب «الحیة» از آغاز جلد سوم تا پایان جلد ششم بوده است. پس از دوره های آموزشی، طرح پژوهشی فقر و توسعه به دفتر تبلیغات داده شد و آن گاه مقدمات انجام تحقیقی درباره ابعاد گوناگون این طرح فراهم آمد. نخست کتاب های فراوان و مجلات بسیاری در این زمینه شناسایی گردید و منبع شناسی لازم در کتابخانه ها به عمل آمد و فیش برداری توسط افراد گروه از صدها جلد کتاب و مجله آغاز شد.

استاد محمد حکیمی با همکاری دو تن از فضلان حوزه و دانشگاه بر این تحقیق نظارت داشتند. مرحله فیش برداری چند سال طول کشید و سپس فیش ها موضوع بندی و تقسیم شدند و زمینه برای نگارش مقالات و تدوین کتاب فراهم آمد و بر این کار نظارت دقیقی از سوی استاد محمد حکیمی صورت گرفت و تهیه مقاله ها با ویرایش علمی و ادبی ایشان همراه بود.

این تحقیق زمان زیادی به طول انجامید تا این که به صورت کتابی در ۴ جلد (حدود دو هزار صفحه) به انجام رسید. هر چند بر اثر برخی از سهل انگاری ها، چاپ کتاب به تأخیر افتاد و در

اوج نیاز به بحث‌های فقر و توسعه کتاب انتشار نیافت، لیکن هم‌اکنون این کتاب ارزنده در دسترس دانش‌پژوهان و کسانی که مسائل فقر و توسعه را پی‌گیری می‌کنند، قرار دارد.

مطالعه این کتاب برای همه مدیران اجتماعی و دولتمردان بایسته می‌نماید؛ به‌ویژه برای قانونگذاران کشور تا در قوانین و برنامه‌ریزی‌ها از آن سود جویند و نقطه‌های تاریک و مبهم را درست دریابند.

همچنین به جاست عالمان اسلامی نسبت به این دست مسائل اطلاع و آگاهی داشته باشند و با ژرف‌نگری در آن به اصالت دیدگاه‌های اسلامی در این گونه مسائل پی‌برند و نظارت بر نوع قوانین و اجرای درست آن را بهتر بتوانند و به‌طور اصولی دریابند که در برنامه‌های فقرزدایی و پذیرایی رشد و توسعه چه جهت‌گیری‌هایی منظور شده است و راه‌های قانونی و راهکارهای اجرایی به کدام سوی می‌رود؛ به سوی محرومیت‌زدایی و کاهش دشواری‌ها و تلخی‌های زندگی آسیب‌پذیران و مهار آزمندی سودجویان و مال‌اندوزان، یا به سوی نادیده گرفتن تهیدستان و سودزاندوزان و دلباختگان ثروت‌های افسانه‌ای و بندگان دنیا و پول‌پرستان.

افزون بر این، نیک دریابند که اسلام چگونه و با چه معیارهایی به مسائل حیات انسان امروز پاسخ می‌دهد و در این راستا جامعیت دین را درست تبیین کنند و اندکی از مظلومیت اسلام بکاهند و از تعالیم آن به‌طور اصولی دفاع کنند؛ زیرا بسیاری از موضوعات، مسائل و برنامه‌های اقتصادی در این کتاب مطرح گردیده و از داده‌های علمی و دریافت‌های اسلامی بهره‌گرفته است.

کتاب «پدیده‌شناسی فقر و توسعه» با نگارشی روان و گویا همه مسائل فقر و توسعه را بیان کرده است و حوزویان و اساتید و دانشجویان و دولتمردان و مجریان و کارگزاران به خوبی می‌توانند از آن استفاده کنند و بر ژرفای دانش و گستره آگاهی‌های خویش بیفزایند.

از ویژگی‌های ممتاز این کتاب مقالات بخش اسلامی آن است که در آن موضوعات فقر و توسعه با نگرش اسلامی آمده و به تعالیم اسلامی مستند شده است و در هر مورد می‌توان شواهد زیادی را از آیات و روایات مشاهده کرد و از این نظر منبع و مرجع مهمی است برای همه کسانی که می‌خواهند از تعالیم اسلامی درباره اقتصاد و شیوه نگرش اسلام به مسائل حیات این جهانی انسان به‌ویژه موضوع مهم رشد و توسعه و عقب‌ماندگی آگاه شوند.

این نکته نیز درخور اهمیت است که مستدرک بخش اسلامی

این کتاب هم‌اکنون آماده چاپ می‌باشد و در آن گذشته از تعالیم قرآنی و حدیثی که در این کتاب آمده، احادیث فراوان دیگر افزوده شده است و گستره وسیع‌تری از این موضوع را روشن می‌کند و منبع با ارزشی برای مطالعات اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید و از این رو پیشاپیش مطالعه این کتاب به دانش‌پژوهان توصیه می‌شود.

مستدرک بخش اسلامی که حدود یک سوم کل این کتاب است و تنها نگرش‌های اسلامی را دربردارد، می‌تواند فشرده‌ای از این کتاب در طرح دیدگاه‌های اسلامی شمرده شود و کسانی که توفیق نیابند همه چهار جلد کتاب را بخوانند با مطالعه مستدرک این طرح به نقطه نظرهای اساسی اسلامی آگاهی خواهند یافت.

امتیاز دیگر آن چنان که یاد شد افزونی منابع اسلامی است که بسیار ارزشمند است و انتظار از انتشارات دفتر تبلیغات این است که سهل‌انگاری‌ها و ندانم‌کاری‌هایی که درباره اصل کتاب اعمال گردید، درباره مستدرک آن رخ ندهد و کتاب هر چه زودتر به جامعه فرهنگی و دانشگاهی و حوزوی و مدیران کشور عرضه گردد.

آنچه در ادامه می‌آید، نگاهی گذرا بر عنوان‌هایی است که کتاب «پدیده‌شناسی فقر و توسعه» به شرح و بررسی آنها می‌پردازد. امید است این نوشته کوتاه در راستای معرفی این کتاب ارزشمند، گامی کوچک به حساب آید.

جلد ۱:

جلد اول کتاب دارای ۱۸ فصل است. فصل نخست آن به موضوع شناسی فقر و توسعه می‌پردازد و مسائلی چون تعریف فقر، انواع آن و شاخص‌های فقر و توسعه بررسی می‌شود. در این فصل، نظام تولید ناکارا، سطح تغذیه نامطلوب، سرمایه ناکافی، رشد جمعیت ناهمگون، مسائل اشتغال و توزیع درآمد و پدیده‌های آموزش، فرهنگ، آزادی‌های سیاسی به عنوان شاخص‌ها در این زمینه مطرحند و آن‌گاه اهداف و استراتژی‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

فصل دوم از دیدگاه اسلامی به پدیده فقر می‌نگرد و همراه با

اسلامی و جهان بینی توحیدی مطرح می گردد و در آن چنین آمده است:

مؤمنان عقیده مندند که مردمان صابر و با ایمان و سخت کوش می توانند بر قدرت های پושالی چیره شوند ... و ایستادگی در برابر آنها راه نجات و استسقلال است ... ترس از قدرت ها و تسلیم شدن نسبت به کارهای ناشایست آنان و فراهم سازی زمینه برای تاخت و تازهای دنیاخواران ندای شیطان است ... رستگاری، هدایت و فرجام نیک از آن انسان های دینی است، ستمگران سرنوشتی جز هلاکت و نابودی ندارند ... تاریخ زندگی بشر ... گواهی صادق بر این ادعاست ... ساز و برگ نظامی و هیاهوی تبلیغاتی، جنجال های سیاسی و زرق و برق صنعت و تکنولوژی دنیامداران در برابر عظمت و قدرت الهی چیزی نیست و ذره ای به حساب نمی آید.^۲

فصل ششم به استراتژی های توسعه در جهان سوم می پردازد و به تعریف و ضرورت آن اشاره می کند و انواع استراتژی ها را برمی شمرد و مزایا و کاستی های هر کدام از آنها را یادآور می شود. در این فصل، استراتژی برون گرا، درون گرا، توسعه کشاورزی، توسعه صنعتی، همگرایی منطقه ای، توسعه صادرات، جایگزینی واردات و استراتژی های رشد متعادل و رشد نامتعادل مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل هفتم با نگرش به تعالیم اسلامی چنین آمده است: «از آن جا که انسان توانایی های شگفت و اعجاب برانگیز دارد، و از سویی امکانات خداداد زمین و طبیعت تاکنون، آن گونه که باید شناسایی و بررسی نگردیده، و برای آدمی ناشناخته است، می توان اذعان داشت که سامان زندگی آدمی نیازمند پیگیری مجموعه ای از استراتژی هاست ... کشاورزی، صنعت و تجارت به هم مربوطند، رشد هر کدام از آنها زمینه برای رشد دیگری را مناسب تر می سازد، و به این ترتیب استراتژی توسعه دینی - با وجود شرایط و امکانات - استراتژی مختلط است، که به تناسب توانمندی ها، هر بخش می تواند نوساناتی یابد.»^۳

فصل هشت به اصول و راهبردهای توسعه اختصاص یافته است؛ که مهم ترین محور آن دگرگونی و اصلاح نظام سیاسی است و همراه آن تلاش همگانی، توسعه انسانی (با محوریت تحول فرهنگی، آموزشی، خردگرایی و شکوفاسازی

یادآوری واژه ها و اصطلاحات در این باره به تعریف انواع فقر می پردازد.

در فصل سوم، سطح زندگی که با تغذیه، لباس و پوشاک، وسایل رفاهی، مسکن و آراستگی ظاهری مشخص می شود، به عنوان یکی از شاخص های فقر و توسعه مطرح است. ناامنی و آشوب، نظافت و بهداشت، دارو و درمان، سطح سواد و آگاهی، کار و اشتغال از شاخص های دیگرند که تعالیم اسلامی به آنها پرداخته است. در نابرابری های اقتصادی - اجتماعی، به عنوان یکی از شاخص های آمده است: «مصرف اسراف گرایانه خوراکی ها و نوشیدنی های رنگارنگ، توسط قشری خاص، و غرق شدن آنها در انواع نعمت ها، هوسرانی ها و خوشگذرانی ها در آن جا که توده های مردم از حداقل ضروریات زندگی محروم اند و گرسنه به سر می برند ... نشانگر جامعه ناسالم و رشد نیافته است ... زمانی که امکانات رشد و زندگی، بازپچه ثروتمندان شود و به یغمارود و اموال و ثروت ها در انحصار گروه های خاصی قرار گیرد که گرگ صفتانه و بی رحمانه به جان مردم افتند، و آنها را چون گرگان بدرند و زمین گیر کنند و فقر و تهیدستی روزافزون بر آنان تحمیل شود و اقدامات اساسی برای نجات محرومان انجام نپذیرد، فضایی در روابط اقتصادی - اجتماعی میان مردم پدید می آید و جامعه ای شکل می گیرد که دین از آن بیزار است و برای آنان سرانجامی جز سقوط و هلاکت نمی توان انتظار داشت.»^۴

امکان یا عدم امکان توسعه مستقل، فصل چهارم کتاب است. دو نظریه عمده در این زمینه وجود دارد: از سویی سلطه نظام سرمایه داری و قهری انگاشتن عقب ماندگی برخی از کشورها و ناتوانی جهان سوم در برابر دنیای غرب و عملکرد ناجوانمردانه و بی رحم امپریالیسم جهانی با اهرم شرکت های فراملیتی و برخی از نشانه های دیگر توسعه مستقل را ناممکن می نمایند و از دیگر سو، آسیب پذیری جهان سرمایه داری و تضادهای درونی آن و برخی از اقدامات به ظاهر انسانی غرب و پدیده جهانی سازی و تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه، امکان توسعه را تقویت می کند.

در فصل پنجم نظریه امکان رشد و پیشرفت در پرتو تعالیم

۱. پدیده شناسی فقر و توسعه، ج ۱ (نظارت و اشراف: محمد حکیمی)،

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۶-۸۴.

۲. همان، ص ۱۲۱-۱۲۳.

۳. همان، ص ۱۶۰-۱۶۱.

استعدادها)، مسائل مربوط به کشاورزی و صنعت، فقرزدایی، سیاستگذاری‌های کلان جامعه، خودکفایی و خوداتکایی و آینده‌نگری مد نظر قرار گرفته است.

در فصل نهم اصلاح نظام سیاسی تبیین شده است:

«در تعالیم دین اصلاح نظام سیاسی نخستین گام هر انسان برای رشد و تعالی دانسته شده، و به عنوان یک تکلیف دینی-اجتماعی مطرح است؛ چه به این وسیله رشد و توسعه لازم پدید می‌آید، مردمان از فرهنگ بایسته و شیوه زندگی درست برخوردار می‌شوند، نیازهای محرومان و بینوایان برآورده می‌شود و اقدامات لازم برای بازستانی حقوق آنان از ستمگران و سرمایه‌داران انجام می‌گیرد.»^۴

و در قانونمداری می‌خوانیم:

قانونمندی یعنی انسان برای برپاداری و حاکمیت قانون در جامعه به راستی بکوشد، سعادت مردمان و سلامت جامعه را در نهادینه شدن قانون بداند، هیچ چیز را مانع گسترش قانون نداند و با نفوذناپذیری و استواری ترنندبازان را به اطاعت از قانون وادارد و با قانون شکنان برخورد قاطع و شدید کند، همه را در برابر قانون مساوی بداند و یکسان بنگرد، مصلحان را همسان با تبهکاران و فسادجویان قرار ندهد، عمل به قانون را کمال و پایه ارزش انسانیت هر فرد بداند و آن را با هیچ چیز به معامله نگذارد.^۵

و در شیوه زندگی زمامداران و مدیران آمده است:

«در نظام دینی، مدیران می‌بایست به سطح زندگی همسان با توده مردم بسنده کنند و از این راه پوچی مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی را به دیگران بنمایاند، و از هزینه‌های اسراف‌آمیز و حیف و میل‌ها جلوگیری کنند تا این شیوه‌ها ارزش و موقعیت اجتماعی انگاشته نشود. و از سویی فرودستان در زندگی اقتصادی-اجتماعی دچار اضطراب‌ها و ناامنی‌ها نگردند و در گرداب بزهکاری‌ها و درآمدهای ناسالم نیفتند... اصل ساده‌زیستی در اصلاح نظام سیاسی از عوامل مهم و‌اگذاری قدرت به مصلحان راستین است، و از نفوذ هواپرستان سلطه طلب در هرم قدرت می‌کاهد... نظام دینی مدیرانی می‌طلبد که فراتر از زندگی شخصی خود و فامیلشان بیندیشند. آنان باید چشم از کالا و امکانات بپوشند و فریفته زرق و برق دنیا نگردند.»^۶

فصل دهم درباره فقر فرهنگی است و برداشت‌های نادرست خودباختگی، بیگانه‌گرایی و مصرف‌زدگی را از عوامل اصلی در این زمینه به حساب می‌آورد و نقش شرکت‌های چندملیتی و نیز رسانه‌ها را در ترویج مصرف‌گرایی بازگو می‌کند.

در فصل یازدهم با توجه به تعالیم اسلامی در این باره می‌خوانیم:

«فقر فرهنگی انواع وابستگی‌های فرهنگی را به همراه دارد. در تمام مسائل زندگی، جامعه از معیارهای خودی روی می‌گرداند و به معیارهای بیگانه می‌گراید؛ این روند به مرگ استعدادها و مختلف در جامعه می‌انجامد. مردمی که در فقر فرهنگی به سر می‌برند زمینه مناسبی برای اجرای نقشه‌های شیطان‌صفتانند، به ندای انحرافی آنها پاسخ مثبت می‌دهند و در جهت مطلوب آنان حرکت می‌کنند.»^۷

فصل ۱۲ و ۱۳ به نقش فرهنگ در توسعه می‌پردازد. خدا محوری، ظلم ستیزی، راستی و درستکاری، کار و تلاش، ریاضت اقتصادی، مشارکت عمومی، نظام و انضباط، امانتداری قانونمندی، امید، نزدیکی سطح زندگی‌ها (با تکیه بر موضوعاتی چون؛ انفاق، موااسات و مساوات اسلامی، وام‌دهی، حقوق مالی، اصل شرکت فقرا در دارایی‌ها) موضوع مهم برادری ایمانی، همبستگی اجتماعی، خرافه‌زدایی، علم محوری، بینش عقلانی، از عناصر اصلی فرهنگی توسعه دینی به حساب آمده است.

فصل‌های ۱۴ تا ۱۸ فصول پایانی جلد اول را تشکیل می‌دهند و در آنها انواع حکومت‌ها و نظام‌ها، ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، عوامل طبیعی توسعه نیافتگی (آب، خاک، مواد معدنی) و حوادث طبیعی (زلزله، سیل، طوفان، بیمساری‌ها و آفات و...) بررسی می‌گردد. در این زمینه با استفاده از تعالیم اسلامی آمده است:

«زلزله، آتشفشان، توفان‌های مرگبار، باران‌های سیل‌آسا، سنگ‌های آسمانی و صاعقه‌ها که از جمله حوادث طبیعی به شمار می‌روند و خسارات زیادی را به همراه می‌آورند، نادرست است که از عوامل طبیعی فقر دانسته شوند؛ زیرا این امور آکنده از مصالح نوعی است، و همراه با تخریب عامل بقا و زیست جانداران است... و چه بسا مصلحت‌هایی در این حوادث نهفته است که از دید انسان‌ها مخفی مانده است... گاه این حوادث به

۴. همان، ص ۱۹۶.

۵. همان، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۶. همان، ص ۲۰۴-۲۰۶.

۷. همان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

دخالت دولت را سیاست های مالی و پولی و کنترل های قانونی تشکیل می دهند. در خلال این بحث ها نکات فراوانی مطرح گردیده است.

در فصل هفتم تعالیم اسلامی در این باره ارزیابی شده و در آن آمده است:

«دولت موظف است نظام اداری درستی را پی افکند... از ناهماهنگی ها، ندانم کاری ها، فساد و رشوه، کاغذبازی، وقت کشی و هر گونه فساد اداری مانع گردد و با به کارگیری مدیران متعهد و نخبه بستر مناسب برای رشد اقتصادی و اجرای درست سیاست های اقتصادی و دیگر فعالیت های اجتماعی را فراهم سازد... مسئولیت ها باید به خردمندان سپرده شود که هدفی جز خدمت و انجام وظیفه در سر نپرورانند، با گسترش قانونمندی، فساد، رشوه، پارتی و رابطه گرایی را برچینند و زبان گویای حق و عدالت شوند. با کار و رفتار مطلوب، نارواها و نسبت های ناشایست را از چهره نظام دینی بزدایند»^۸

فصل هشتم و نهم به استفاده بهینه از منابع و امکانات و نیروی انسانی می پردازد و بر اصلاح فرهنگ مصرف آب و بهره گیری مناسب و درست از آبها، زمین، منابع دریایی، غذا و انرژی تأکید می ورزد و به احیای مراتع و جنگل ها، کویرزدایی، جلوگیری از فرسایش خاک (آب، باد، دام ها) اشاره می کند و مطالبی را درباره استفاده از کودهای شیمیایی، چگونگی بهره وری درست از سیلاب ها و باران های فصلی، کشت گیاهان خاص، مکنیزاسیون بخش کشاورزی و بازیافت مواد ارائه می دهد.

در فصل دهم که برداشت هایی از تعالیم اسلامی در این زمینه است، می خوانیم:

نیروی انسانی هر جامعه از مهم ترین سرمایه های آن است. کارها و امور جامعه به دست آنها اداره می شود. خلاقیت ها را آنان می آفرینند، و صنایع و فنون به وسیله آنها رونق می یابد. برنامه ریزی و سیاست گذاری بایسته می تواند نیروی انسانی آن را در مسیر درست هدایت کند، متخصصان و مغزهای علمی جایگاه مطلوب را بیابند، رهیافت های حیات بخش ارائه دهند و با آمیزش علم و عمل، آرمان ها و کمال های مطلوب تحقق یابد.^۹

فصل یازدهم مصرف گرایی را بررسی می کند و این که چگونه

۸. همان، ص ۴۶۳-۴۶۴.

۹. همان، ج ۲، ص ۸۳-۸۴.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۳.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۶.

عملکردها و رفتارهای نادرست انسان ها در روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برمی گردد.^{۱۰}

جلد ۲:

جلد دوم کتاب با مسائل مربوط به جمعیت شروع می شود و در آن رشد ناموزون جمعیت به عنوان یکی از علل اصل توسعه نیافتگی شمرده شده است. کاهش درآمد سرانه، گسترش شهرها، کمبود مواد غذایی و مسکن، افزایش بیکاری و مفساد اجتماعی؛ مهاجرت و آسیب های زیست محیطی از جمله پیامدهای رشد افسار گسیخته و غیر مسئولانه جمعیت به حساب آمده اند.

انواع اقدامات برای مهار رشد جمعیت و حل این مشکل در فصل سوم آمده است که به راه های عملی اجتماعی، روش های غیر انسانی (فرزندکشی، کشتار عمومی، سقط جنین) و راه حل های آرمانی (سفر به دیگر سیارات) تقسیم شده اند.

در فصل چهارم پدیده جمعیت با نگرش اسلامی بررسی شده و آیات و احادیثی در نكوهش رشد جمعیت آمده است و ظاهر برخی از روایاتی که فزونی جمعیت را می ستایند، به گونه ای توجیه می گردد و در پایان نظریه اعتدال جمعیتی را به عنوان یک نظریه اسلامی و مطلوب می شناساند.

در فصل پنجم نکات ارزنده ای درباره پیشگیری از جمعیت نامتناسب با امکانات آمده است.

در این فصل می خوانیم:

«رشد جمعیت، زمانی روند مطلوب را داراست که متناسب با امکانات و توانایی های خانواده و جامعه باشد. تحقق این امر زمانی است که آدمی در تولید نسل، همانند سایر ابعاد زندگی از حد میانه و اعتدال فراتر نرود، و رشد جمعیت از انگیزه های نادرست و غیر انسانی ناشی نشود و به تفریط زیان آور و افراط فسادانگیز نگراید. از ظاهر بینی و سطحی نگری پرهیز شود و افزایش نسل، خردمندانه و عاقبت اندیشانه صورت گیرد.»^۹

فصل ششم نقش دولت در توسعه است. اقدامات دولت در این زمینه عبارتند از: سرمایه گذاری های مولد، ایجاد فضای امن برای رشد و توسعه، هدایت تجارت خارجی، کاراساختن نظام اداری، انجام تحولات فرهنگی و اجتماعی. ابزارهای

روند مصرف گرایی در جهان توسعه یافته و در حال توسعه آثار زیانبار و گناه تجدیدنناپذیر بر جای می گذارد. در این نگاه سلطه جویی جهان سرمایه داری، رفاه طلبی، هم چسبی و رقابت، نظام های فاسد، کجروی های فرهنگی، کشف نفت و گاز، انقلاب صنعتی، تبلیغات و رسانه های ارتباط جمعی و ناامنی های اقتصادی روند مصرف گرایی را شدت بخشیده اند.

نگرش اسلامی در این باره در فصل ۱۲ کتاب آمده است و چنین می خوانیم:

«مصرف سازگار با تعالیم دین، مصرف در حد کفایت است، یعنی مصرف برای زندگی و تأمین نیازها که به گونه معقول و منطقی و براساس امکانات شکل گیرد، حقوق دیگران در آن رعایت شود و به محیط زیست انسان و دیگر جانداران آسیب نرساند... زندگی عاری از کرامت نفس و صفای باطنی، سستی و کاهلی و عدم دستیابی به بلوغ فکری و نوبغ عقلی، مرگ انسانیت و فضایل انسانی، کاهش پس اندازها، از جمله پیامدهای مصرف زدگی است و مصرف بی رویه، روش زندگی سلطه جویان و جباران و مستکبران است... دین، مصرف بی رویه را بدون شأن انسانیت دانسته، آن را با طبع اصیل انسان ناسازگار می داند و ممنوع کرده است.»^{۱۲}

فصل های ۱۳ تا ۱۵ درباره تغذیه و مسائل مربوط به آن است. اسراف و مصرف نادرست مواد غذایی، رشد جمعیت، نارسایی حمل و نقل، ضایعات مواد غذایی، شرایط طبیعی، سیاست های تجاری از عوامل کمبود مواد غذایی شمرده شده است. عوارض ناشی از سوء تغذیه (مرگ و کوتاهی عمر) و دیگر اختلالات جسمی و روانی ناشی از آن به ویژه در کودکان یادآوری گردیده است.

در فصل چهاردهم چنین می خوانیم:

«برآوردها نشان می دهد که در کشورهای توسعه نیافته، بیش از یک میلیارد نفر دچار سوء تغذیه هستند و نیمی از این تعداد به طور دائم، در گرسنگی به سر می برند... جمعیت زیاد آسیا باعث شده است که بسیاری از سوء تغذیه ها در این نقطه از جهان واقع شود. ۴۷ درصد کودکان در بعضی از نقاط این قاره از سوء تغذیه رنج می برند.»^{۱۳}

درباره مصرف مواد غذایی در جهان آمده است:

آمریکای شمالی، اروپا... جزء مناطقی می باشند که بیش از ۲۰ درصد بالاتر از نیاز بدن مصرف مواد غذایی دارند... نیمی از جمعیت جهان که از جمله آنها چین و هندوستان است، بین صفر تا ۱۰ درصد کم تر از حد نیاز بدن غذا مصرف می کنند.^{۱۴}

فصل های ۲۱-۱۶ به روند تحولات پولی، تورم و پیامدهای آن و راه های مقابله با تورم و نقش نرخ بهره در توسعه اقتصادی و نیز مفهوم ربا و بهره در نگرش اسلامی، پرداخته است و آگاهی های فراوانی را در این زمینه ها ارائه می دهد.

تاریخچه ظهور پول در مبادلات و تعریف آن، نقش هایی را که پول در نظام اقتصادی ایفا می کند، تعریف تورم و انواع آن و اثرات تورم بر مصرف، پس انداز، بودجه دولت، ساختار اقتصاد، برنامه های توسعه، تصمیم گیری های اقتصادی و تجارت خارجی در این فصل ها به تحریر درآمده اند و نیز مشکلاتی که مبارزه با تورم با آنها روبروست از نظر می گذرد و نقش سیاست های مربوط به تقاضا، عرضه و اصلاح سیستم توزیع در مهار تورم نشان داده می شود.

در فصل ۲۰ نرخ بهره و تعریف آن و اندیشه هایی که در این باره وجود دارد، مورد توجه است. دلایل طرفداران نظارت و تعیین سقف نرخ بهره و نیز دلایل طرفداران نرخ بهره رقابتی مطرح می گردد و سیاست کسری بودجه و ساختار بازار مالی در جهان سوم ارزیابی می شود.

فصل ۲۱ بر آن است که نگرش اسلامی مسأله ربا را بازگو کند. در این راستا از مفهوم ربا و انواع آن و فلسفه حرمت ربا سخن به میان می آید. انواع قرض، دلایل طرفداران حرمت مازاد در قرض مصرفی و کسانی که به طور مطلق به حرمت مازاد در قرض معتقدند مطرح می شود. آن گاه تفاوت ها و مشترکات پول صدر اسلام با پول معاصر تبیین می گردد و ربا را از نظر جبران نرخ تورم بررسی می کند و به شاخص ها در این زمینه اشاره دارد و بحث مثلی و قیسی بودن پول به میان می آید، وظایف بانک ها را برمی شمارد و ضرورت وجود آنها را یادآور می شود و راهکارهای فقهی در این زمینه و سیستم بانکداری بدون ربا بررسی و نقد می شود.

فصل ۲۲ بزرگ مالکی به عنوان یک پدیده زیانبار برای جوامع بشری مطرح شده و در فصل ۲۳ با نگرش اسلامی به این

۱۲. همان، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۹.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.

۱۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۷.

جلد ۳:

فصل نخست این جلد به پدیده تجارت جهانی و رابطه آن با توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم اختصاص یافته است. از زاویه سه نظریه مرکز پیرامون، مبادله نابرابر و وابستگی این موضوع بررسی می شود و آن گاه سخن از کاستی ها و محدودیت ها در این زمینه به میان می آید و مسائلی چون پیشینه تاریخی، جهت گیری جغرافیایی تجارت، رقابت مواد مصنوعی با مواد اولیه، انحصار تولید و خرید و تعیین قیمت و نیز انحصار حمل و نقل و واسطه های تجاری مطرح می شود. نوسانات پولی و پیامدهای فرهنگی و روانی از بحث های دیگر این فصل است.

در فصل دوم دیدگاه کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها درباره تجارت ارزیابی می شود و سپس مسائل مربوط به آن بررسی می گردد.

در فصل سوم با عنوان تجارت و داد و ستد در نگرش اسلامی این طور آمده است:

«اصل تجارت و روابط اقتصادی با دیگر ملت ها برای بهزیستی و رشد از اصول مسلم است که هر خردمندی به آن اذعان می کند... تجارت ویژه انسان های ماهر، کارشناس و متخصص است. کسانی که قراردادها، قانون های تجاری، کم و کیف تولیدات در کشورهای مختلف، وضع بازار و قیمت ها و قدرت چانه زنی را بشناسند، و به آگاهی های لازم در این زمینه مجهز شوند، بتوانند خردمندانه بیندیشند، از پیش بینی ها غافل نمانند و عاقبت اندیشانه تصمیم گیری کنند.»^{۱۷}

فصل های ۴-۵ ویژه کارتل ها و شرکت های چند ملیتی است و در آن با یادآوری شاخص سرمایه ای این شرکت ها و ویژگی های فنی و مدیریتی آن ها؛ عملکرد شوم آنها نشان داده شده است که چگونه این غول های اقتصادی جهان به چپاول ثروت ها و منابع می پردازند و با کنترل امور بازرگانی و نیز افکار عمومی از کانال نفوذ بر رسانه ها و شگردهای ناجوانمردانه پیدا و پنهان در راستای کسب درآمد و سود از هر شیوه ای استفاده می کنند، چگونه حکومت ها را واژگون می سازند، انقلاب ها را به بن بست می کشانند و چگونه برای فروش تسلیحات نظامی جنگ های منطقه ای برمی افروزند و با ترفندهای ویژه خود

موضوع آمده است:

«منابع دریاها، منافعی که از انواع موجودات زنده عاید انسان می شود، مواد سوختی، مراتع، آبها، باران و نزولات جوی، تجارت و صید در دریاها و ... به همه انسان ها تعلق دارد.»

«امکانات میان همه تقسیم شده است. حقوق ضعیفان توسط آنها به یغما رفته است و مردم در دام استثمار آنها گرفتار آمده اند. آنان باغستان ها، چشمه سارها، کشتزارها و اقامتگاه های مناسب را در انحصار خود در آورده و نعمت ها را از آن خود ساخته اند.»^{۱۵}

فصل های ۲۷-۲۴ فصول پایانی جلد دوم کتاب است و به پیامدهای سیاسی و اقتصادی فقر نگریسته شده است با مطالعه آنها به روشنی می توان دریافت که چگونه فقر باعث صدور مواد اولیه با ارزش از کشورهای جهان سوم می شود و چسان واردات بی رویه پتانسیل های اقتصادی آنها را ناکام می سازد و چرخه وابستگی تباهی آفرین به سود کشورهای توسعه یافته رقم می خورد و زمینه های سودهای ناسالم در اقتصاد فراهم می آید.

در فصل ۲۷ با نگرش اسلامی به پیامدهای اجتماعی فقر می خوانیم:

فقر گاه انسان را به راه های نادرست کسب درآمد، تغذیه، مسائل جنسی و ... وامی دارد. و به فراموشی ارزش های دینی، بی مبالاتی و چه بسا کفر و بی دینی می انجامد. در این حالت، اقدامات مثبت اقتصادی-اجتماعی، ایفای نقش سازنده و مفید در جامعه برای فرد فراموش شده است.

فقر می تواند شخصیت واقعی انسان را واژگون جلوه دهد، ویژگی های پسندیده و نیک فرد را در نظر هازشت سازد و رفتارهای درست انسانی را ناآگاهانه و انحرافی بنمایاند، و مردمان را به خشم آرد...

فقر ناهنجاری ها، انحرافات و مفاسد اجتماعی را افزون می سازد؛ چه بسا حق پوشی ها، فسادها و خودکشی ها که از نبود توانمندی مادی مایه می گیرد.^{۱۶}

۱۵. همان، ج ۲، ص ۴۲۲-۴۲۳.
 ۱۶. همان، ج ۲، ص ۴۵۲-۴۵۵.
 ۱۷. همان، ج ۳، ص ۷۲-۷۴.

شخصیت‌ها را از میان برمی‌دارند و با شیوه‌هایی چون دامپینگ،^{۱۸} بایکوت، حق امتیاز و مانند آن، حرکت‌های توسعه‌ای را درهم می‌کوبند و با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در معادن و منابع مهم و سرنوشت‌ساز، ارکان اقتصاد جهانی را در سلطه خویش نگه می‌دارند.

فصل ششم به استعمار می‌پردازد، ماجرای آشنا و غم‌انگیزی که تقسیم جهان به دو قطب غنی و فقیر از آن‌جا آغاز گشته است. با مطالعه این فصل می‌توان دریافت که چگونه رفاه و توسعه کنونی در دنیای توسعه‌یافته با استعمار و غارت جهان سوم (در گذشته‌ای نه چندان دور) شکل گرفته است و هزینه این توسعه را کشورهای مستعمره پرداخته‌اند که به قیمت نابودی اقتصاد و هستی‌شان تمام شده است و در مبادله‌ای نابرابر همراه با رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی ثروت کشورهای مستعمره توسط استعمارگران بی‌رحم تاراج شده است و اکنون در شکلی نوین و مدرن این روند ادامه دارد.

نقشی که استعمار در آموزش و نظام اداری این کشورها و در ساختار اجتماعی-سیاسی آنان بر جای گذاشته است نیز در این فصل ارزیابی شده است.

فصل هفتم پدیده نظام سرمایه‌داری و استکبار جهانی را از زاویه تعالیم اسلامی ارزیابی می‌کند و در آن آمده است:

«در طول تاریخ زندگی انسان، سلطه جویان، زراندوزان، شیفتگان دنیا و انحصارطلبان همواره در برابر حرکت انبیا، ارزش‌ها و رهنمودهای دین ایستاده‌اند، ... طاغوتان اقتصادی همواره بذرفتنه کاشته، شرارت و فلاکت را عاید مردم ساخته‌اند، خطاها و نابسامانی‌ها را آنان پدید می‌آورند، آرزوهای خیالی و بلندپروازانه آنها دسته‌هایی از مردم را به قربانگاه فقر و تهیدستی سوق داده است. انحصار اموال و امکانات در دست آنها و عملکردهای نادرست و غیرانسانی آنان به اختلاف طبقاتی و ظلم اقتصادی ویرانگر در جهان انجامیده است و بسیاری از انسان‌ها را از داشت کم‌ترین امکانات محروم ساخته است.»^{۱۹}

فصل‌های ۹-۸ به سلطه جویی کشورهای پیشرفته به عنوان یکی از علل فقر کشورهای جهان سوم می‌پردازد. با مطالعه این قسمت خواننده درمی‌یابد که چگونه سلطه‌گران بازارهای جهانی را در انحصار خود دارند، جوامع را تک‌محصولی نگه می‌دارند و تولیدات آنها را در راستای اهداف خود سوق می‌دهند، از توسعه فنی واقعی جوامع جلوگیری می‌کنند و به تخریب افکار عمومی می‌پردازند و از راه‌های مختلف که بسیار دقیق و شیطانی‌اند بر اقتصاد کشورها مسلط می‌گردند.

فصل ۱۰ و ۱۱ هزینه‌های نظامی را به عنوان یکی از علل فقر عنوان کرده، آمارهایی از هزینه‌های نظامی در سطح جهان ارائه می‌دهد که بیانگر دور ناخودآگاه عقب‌ماندگی در کشورهای در حال توسعه است. در حالی که فقر و نابسامانی در جامعه بیداد می‌کند، بودجه‌های کلانی برای خرید تسلیحات نظامی اختصاص می‌یابد و به جای توسعه، عمران، آبادی و فقرزدایی این کشورها به سلاح‌هایی مجهز می‌شوند که در روند توسعه جهانی و منطقه‌ای هیچ‌به‌حساب می‌آید، بلکه مانعی بزرگ می‌باشد و به عنوان آلاینده‌ها در محیط زیست انسانی مطرح است.

در فصل ۱۲ عنوان ماهیت وام‌ها و کمک‌های خارجی بازشناسی شده است. انواع این کمک‌ها و اهداف کشورهای وام‌دهنده و وام‌گیرنده بررسی می‌شود و دیدگاه‌های موافق و مخالف در این باره از نظر می‌گذرد و در پایان به پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کمک‌ها می‌پردازد، و ماهیت سلطه‌طلبانه و استعماری آن را بر ملا می‌سازد. و این اندیشه اصولی رهبران جهان سوم را که: «باید به نان جوین خود بسنده کرد و دست به سوی دشمن دراز ننمود» اثبات می‌کند و این تعلیم والای دین را روشن می‌سازد که: «احتج‌الی من شئت تکن اسیره»؛ به هرکس خواهی نیازمند باش، اسیر او می‌شوی.

فصل ۱۵-۱۳ به سرمایه‌گذاری اختصاص دارد و از عوامل زمینه‌ساز و اهداف سرمایه‌گذاری سخن رفته است و به نقش حیاتی سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و زیان سرمایه‌گذاری‌های تجملی و اسراف (چون ساختمان‌های مجلل دولتی، هزینه‌های زائد، سمینارها و همایش‌های بی‌فایده، تشریفات بی‌خاصیت و ...) پرداخته است.

در فصل ۱۴ پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری از جمله علل توسعه‌نیافتگی دانسته شده است در فصل ۱۵ ضرورت‌های

۱۸. دامپینگ به مفهوم صدور کالا به ارزش کم‌تر از قیمت عادی است که با انگیزه‌های مختلف ممکن است صورت گیرد.

۱۹. همان، ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۵.

بهینه و بجا از امکانات و با استفاده از نیروهای کار آزموده، می توان بر مشکلات بهداشتی فائق آمد. همچنین به ضرورت دولتی بودن خدمات بهداشتی و اهمیت مسأله پیشگیری اشاره می شود و در پایان اقدامات بهداشتی در زمینه آب و تغذیه و ... یادآوری می گردد.

فصل ۲۰ ویژه محیط زیست است و در آن آگاهی های مفیدی درباره عوامل آلوده کننده محیط زیست آمده است، که آلاینده های شیمیایی (و منابع آنها)، سوخت های فسیلی، دفع غیر اصولی زیاله ها از آن جمله اند.

آثار این آلودگی ها نیز مورد توجه قرار می گیرد که چگونه به افزایش دمای زمین می انجامد، از منابع غذایی جهان می کاهد، به اقیانوس ها و دریاها آسیب می زند، از عوامل نازک شدن لایه اوزن و شیوع بیماری های جسمی و روانی می باشد و نیز انقراض گونه های جانوری و گیاهی با آن پیوندی ناگسستنی دارد. در پایان راه های مقابله با بحران زیست محیطی یادآوری می شود.

فصل ۲۱، فصل پایانی جلد سوم است که همین مسأله را با نگرش اسلامی بررسی می کند و راه های اخلاقی، اقتصادی، فقهی و حقوقی را در راستای حفاظت از محیط زیست مطرح می سازد.

جلد ۴:

جلد چهارم کتاب دارای ۲۶ فصل است. در فصل نخست عوامل بیکاری مدنظر قرار می گیرد که عبارتند از: رشد جمعیت، کمبود سرمایه، فقدان رشد صنعتی، مکانیزه کردن بخش کشاورزی، ناکاردانی و نبود مهارت و تخصص، مهاجرت و ... نیز در این فصل کار کودکان و مسأله زنان و اشتغال قابل توجه است.

فصل دوم درباره اشتغال است که همراه با یادآوری ضرورت ایجاد اشتغال و زمینه های اشتغال بررسی می گردد که گسترش صنایع کاربر، زدایش انحراف قیمت عوامل تولید، اصلاح سیاست ها و برنامه ریزی ها، کاهش سن بازنشستگی، سرمایه گذاری و کنترل جمعیت مهم ترین آنها هستند. فصل های سوم تا دوازدهم به مسائل مختلف بخش کشاورزی می پردازد و انواع راهکارها در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد، حدود ۱۵۰ صفحه از حجم این جلد را این فصل ها دربر گرفته اند.

سرمایه گذاری، عوامل سرمایه و اولویت ها در این زمینه بررسی می شود و آن گاه آثار سرمایه گذاری درست یادآوری می گردد.

در فصل ۱۶ نویسنده نقش کمک های خارجی را در توسعه ارزیابی می کند و در این میان به مشکل بدی ها و بازپرداخت وام ها می پردازد و پیشنهادهایی را ارائه می دهد و آن گاه به نقش مؤسسات مالی، بین المللی در توسعه جهان سوم اشاره می کند و یادآور می شود که این مؤسسه ها بیش تر در سلطه کشورهای سلطه گر و ثروتمندند و به عنوان ابزارهای مکمل و اجرایی سیاست خارجی آنها عمل می کنند و کشورهای توسعه در مدیریت آنها نقشی ندارد.

در فصل ۱۷ پدیده وام ها با نگرش اسلامی مدنظر قرار می گیرد. وام بی قید و شرط استثماری و با انگیزه های الهی و انسانی مصداق کار نیک (معروف) است و به رشد و پیشرفت اقتصادی می انجامد و وام با هدف سلطه گری و سودجویی نامشروع است. «اسلام به فرد، نهاد یا دولت اجازه نمی دهد که وام را با شرایطی دریافت کند که اساس استقلال همه جانبه آن آسیب پذیر گردد و بیگانگان بر جامعه اسلامی سلطه یابند.»^{۲۰}

فصل ۱۸ نگاهی است به روند توسعه در ژاپن و این که چگونه این کشور با وجود مشکلات فراوان و کمبود منابع طبیعی، توانست با برنامه ریزی مناسب و مدیریت درست و کاری وقفه و ریاضت اقتصادی و صرفه جویی دقیق به توسعه کشاورزی، و صنعتی دست یابد و سرمایه های لازم را فراهم آورد و با تلاش همگانی خستگی ناپذیر، سیاستگذاری، اقتصاد رقابتی بر بسیاری از نابسامانی ها فائق آید و همتای کشورهای پیشرفته شود.

مطالب این فصل یادآور بسیاری از تعالیم اسلامی درباره رفتار انسانی و کار و تلاش انسان و قناعت و صرفه جویی در دوران توسعه است.

فصل ۱۹ درباره بهداشت و توسعه است. مفهوم بهداشت، آموزش آن و سیاست های توسعه بهداشتی از جمله مطالب این فصل اند. با مطالعه آن می توان دریافت که چگونه با بهره وری

۲۰. همان، ج ۳، ص ۲۹۸-۲۹۹.

در فصل ۱۲ درباره کشاورزی در پرتو تعالیم اسلامی چنین می خوانیم:

کشاورزی در اسلام از بهترین شغل ها و پاکیزه ترین راه های کسب درآمد است. همه انبیای الهی - به جز چند تن - کشاورز بوده اند و با تولید محصولات کشاورزی در راستای تأمین زندگی خود و نیازمندان تلاش کرده اند ... از دیدگاه تعالیم دین، کشاورزی باید بتواند فراتر از رفع نیازهای جامعه دینی، و بیش از تأمین نیازهای غذایی، صنعتی، دارویی و بهداشتی حیات انسان را شکوفا سازد و رشد کند. بجاست گونه های حیوانات و حیات وحش از آن بهره مند شوند و انسان ها از آن جهت که آفریده خدایند - با هر عمل یا مرام و عقیده - از محصولات کشاورزی استفاده کنند.^{۲۱}

فصل های ۱۶-۱۴ درباره توسعه صنعتی و فنی و مسائل مختلف و گوناگون در این زمینه است و درباره انتخاب و انتقال تکنولوژی نکات ارزنده ای را پیش روی خواننده قرار می دهد و حاوی نکات شایان توجه فراوانی است.

در فصل ۱۶ درباره تکنولوژی وارداتی با استناد به تعالیم حدیثی می خوانیم:

«دین به یافته ها، تحقیقات و دانش هایی که انسان ها به دست آورده اند، ارجح می نهد. از صفر شروع کردن را نمی پسندد و استفاده از تجربه های آماده دیگران را غنیمت می داند. بر اساس این بینش، انتقال علم و تکنولوژی از دیگر کشورها توجیه پذیر است و اصولاً علم در انحصار هیچ فرد یا جامعه ای نیست. آنچه در این زمینه اهمیت بسیار دارد، فراست و هوشمندی است. با سلاح علم و عقل باید در انتخاب تکنولوژی و انتقال آن با دوراندیشی همه جوانب (...) مدنظر قرار گیرد.^{۲۲}

فصل های ۲۰-۱۷ به مسائل توزیع درآمد و نابرابری ها در این زمینه اختصاص دارد. توزیع نابرابر درآمد در سطح جهان و نیز در کشورهای جهان سوم و علل این نابرابری ها و نقش آن در فقر از مباحث فصل ۱۷ است. در فصل ۱۸ سیاست ها و ابزارهایی که در راستای توزیع عادلانه درآمدها مؤثرند ارائه می گردد و نویسنده به مسائل فراوانی اشاره می کند، فصل ۲۰ که با عنوان «عدالت اجتماعی - اقتصادی با نگرش اسلامی» مطرح شده است، دارای سه محور اساسی است: ۱. ضرورت حاکمیت عدالت؛ ۲. قلمرو عدالت ورزی؛ ۳. سازوکارهای تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی.

در این فصل با نگرشی به عدالت به عنوان یک نیاز همگانی و پایه دین می خوانیم:

«عدالت این گوارترین جوهر حیات، به عنوان یک نیاز اساسی و خواست همه مردمان در جوامع بشری مطرح بوده، هست و خواهد بود. عدالت را می توان ... از ارکان دین دانست، چه حیات ارزش های دینی و هدایت های دین با آن معنا و مفهوم می یابد و در پرتو آن شکوفا می شود و نقش سازنده خود را در اصلاح فرد و جامعه و زیست درست و هدفدار آدمی می نمایاند. با عدالت می توان حق را استوار ساخت، و با عمل به حق به معیار اجرای عدالت دست یافت، و به صراط پرهیزگاری گام نهاد و رتبه های ایمان را پیمود و به کمال رسید. عدالت محوری پیروی از قانون عام آفرینش است، چنانکه سیره انبیاست و عصاره پیام و رسالت همه مصلحان برای رستگاری و سعادت آدمی.^{۲۳}

فصل ۲۱ به تأمین اجتماعی و ویژگی یافته است و در آن مفاهیمی چون تکامل عمومی، تعاون و رفاه اجتماعی و ... تعریف می شود و آن گاه نویسنده به مسائل مربوط به بیمه و پیشینه تاریخی آن و نقش آن در دنیای معاصر می پردازد، سپس با ارائه نظریه های اجتماعی، اهداف و سیاست های تأمین اجتماعی را برمی شمارد و به منابع مالی آن اشاره می کند و نقش دولت را در تأمین اجتماعی در ضمن عنوان هایی تبیین می کند.

فصل ۲۲ درباره مسائل مربوط به آموزش در نگرش اسلامی، نکات شایان توجهی دارد.

فصل های ۲۶-۲۳ کتاب بخش پایانی آن را تشکیل می دهند که همه درباره برنامه ریزی و مدیریت است و از دو بُعد؛ عامل توسعه نیافتگی و نیز راهکار توسعه این موضوع مورد توجه واقع می شود و در دو فصل پایانی تعالیم اسلامی درباره مدیریت و برنامه ریزی آمده است و کتاب با آن پایان می یابد.



۲۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲۳. همان، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳.